

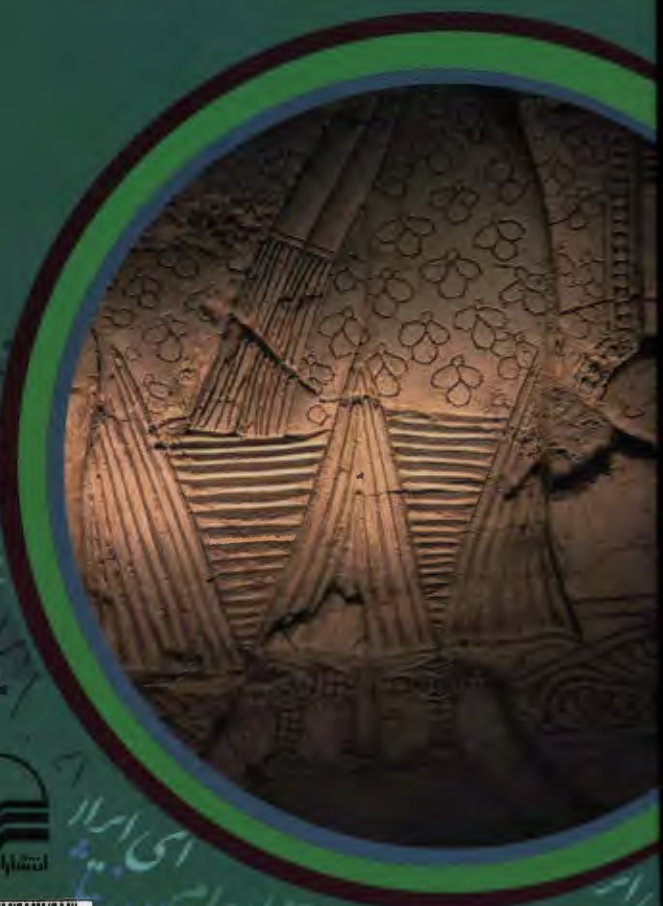


# In Dargaz

Effat Imani



در یکی از شهرهای سرزمین جاویدمان ایران در خراسان است. کتاب «در درگز» دربردارنده دو پژوهش مردم شناسی و زبان شناسی است که هر دو برای نخستین بار در پژوهش میدانی گرجاوری شده است. بخش نخست کتاب، مردم شناسی؛ شامل آداب و آیین و فرهنگ و باورهای مردمی است و بخش دوم واژه نامه ای از گویش آخری درگز که دوسویده تنظیم شده است. امید داریم که از این پس شاهد چاپ کتاب هایی از این دست برای شناخت فرهنگ و زبان مردم ایران باشیم.



امانی، عفت، در درِ گز (واژه‌نامه، زبانزد، آداب و آیین محلی)، تهران، کویر، ۱۳۹۴.

ISBN: 978-964-214-124-1

۲۵۶ ص.

مصور (بخشی رنگی)؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

فیفا. کتابنامه. در گز (شهرستان).

۹۵۵/۸۲۳۴

DSR ۲۰۸۷ / ۸ الف

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۶۲۱۹۰

# در درِ گز

(واژه‌نامه، زبانزد، آداب و آیین محلی)

عفت امانی



در درگز  
(واژه‌نامه، زیانزد، آداب و آیین محلی)  
عفت امانی

• طراح جلد: میترا نامی • حروفنگار و صفحه‌آرا: انتشارات کویر، نسرين قدرتی  
• لیتوگرافی و چاپ: غزال • صحافی: صحافی علی • شمارگان: ۱۱۰۰ • چاپ اول: ۱۳۹۴  
• شابک: 978-964-214-124-1 • قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

• نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر  
• کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمایان: ۸۸۳۴۲۶۹۷

• تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است

پیشکش به

مرزبانان و کشاورزان درگز

## فهرست

|                                           |    |
|-------------------------------------------|----|
| سپاسگزاری.....                            | ۹  |
| آغاز سخن.....                             | ۱۳ |
| جدول نشانه‌های همخوان‌ها.....             | ۱۵ |
| جدول نشانه‌های واکه‌ها.....               | ۱۶ |
| دیگر نشانه‌ها.....                        | ۱۷ |
| پیشگفتار.....                             | ۱۹ |
| روش پژوهش.....                            | ۲۱ |
| ۱- معرفی شهرستان درگز.....                | ۲۳ |
| ۱-۱ جایگاه درگز.....                      | ۲۳ |
| ۲- موقعیت جغرافیایی و طبیعی.....          | ۲۵ |
| ۲-۱ همسایه‌های درگز.....                  | ۲۶ |
| ۲-۲ کوه‌ها.....                           | ۲۶ |
| ۲-۳ رودخانه‌ها.....                       | ۲۷ |
| ۲-۴ جلگه‌ها.....                          | ۲۷ |
| ۲-۵ آب و هوا.....                         | ۲۸ |
| ۲-۶ پوشش گیاهی.....                       | ۲۸ |
| ۲-۷ محصولات کشاورزی.....                  | ۲۸ |
| ۲-۸ جغرافیای طبیعی و ریخت‌شناسی درگز..... | ۲۹ |
| ۳- جاذبه‌های طبیعی.....                   | ۲۹ |
| ۴- جاذبه‌های تاریخی.....                  | ۳۰ |
| ۴-۱ بندیان.....                           | ۳۰ |
| ۴-۲ آب‌انبار قدیمی لطف‌آباد.....          | ۳۱ |

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |     |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| ۳-۴ آرامگاه علامه شهرستانی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۳۱  |
| ۴-۴ امامزاده دیباج.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۳۱  |
| ۴-۵ تپه‌های باستانی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | ۳۲  |
| ۵- موقعیت فرهنگی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | ۳۳  |
| ۵-۱ صنایع دستی و محلی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | ۳۴  |
| ۵-۲ دین.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | ۳۶  |
| ۵-۳ زبان.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | ۳۶  |
| ۵-۴ اقوام.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | ۳۷  |
| ۵-۵ بازی‌های محلی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۳۹  |
| ۵-۶ نان محلی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | ۴۸  |
| ۵-۷ غذاهای محلی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | ۵۲  |
| ۵-۸ آیین‌ها و سنت‌ها.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | ۵۶  |
| ۵-۹ قصه‌های محلی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | ۶۶  |
| مثل‌ها و زبانزدها.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۷۵  |
| صد جمله به گویش ترکی درگز.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | ۹۷  |
| واژه‌نامه موضوعی به ترتیب الفبای فارسی به گویش (اندام‌ها و وابسته‌های بدن انسان، ابزار کار و خانه، کانی‌ها، آفت‌ها و بیماری‌ها، بستگان و آشنایان و پیشه‌وران، معماری و اجزای ساختمان، پوشیدنی‌ها و زیورها، گیاهان و خوراکی‌ها، جانوران و موجودات خیالی، عناصر و موقعیت‌های جغرافیایی، واحدهای اندازه‌گیری، مزه‌ها و رنگ‌ها، ضمیرها، ویژگی‌های انسانی، واژه‌های متضاد، فعل‌های لازم و متعدی، مصدرها)..... | ۱۰۳ |
| واژه‌نامه به ترتیب الفبای گویش به فارسی.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | ۱۶۹ |
| نگاره‌ها و فرتورها.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۲۱۵ |
| منابع.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | ۲۵۳ |



## سپاسگزاری

شایسته است که پیش از هر سخن سپاسگزار باشم از همه کسانی که در این پژوهش یاریگر بودند و بدون آنها انجام این کار بس دشوار می‌نمود.

سپاسگزارم از مردمان فرهیخته و دلسوز و خردمندی که زمان خویش را برای مصاحبه و گفتگو در اختیار من گذاشتند و بارها و بارها، روزها و روزها با بردباری، خویشکاری خود دانستند که گامی برای فرهنگ میهنشان بردارند. پیش و بیش از هر کس سپاسگزارم نه تنها اکنون که همیشه و هر زمان از بانوی خردمند و آگاه و مهربان، بانو فریده حجبی‌پور، دانشنامه زنده شهر درگز. نمی‌دانم با بودن ایشان چرا تاکنون درباره آداب و آیین و زبان این شهر پژوهشی نشده بود. ایشان را هرچه سپاسگزار باشم اندک است هرچه توصیف کنم بزرگنمایی نیست. و هرچه گویم از خردمندی و غیرت و مهربانی و میهمان‌نوازی و دانش و توانش زبانی و آگاهی ایشان از فرهنگ و آداب و زبان شهرشان کم گفته‌ام. بدون بودن ایشان هرگز و هرگز مرا یارای این نبود که این واژه‌نامه و آداب و آیین این شهر را به‌ویژه در این زمان کوتاه گرد آورم. آن‌گاه که این دشوار را آغازیدم از خداوند یاری و معجزه خواستم، فریده حجبی‌پور همان معجزه بود. از میان همه گویشورانم هریک در بخشی مهارت داشتند اما فریده حجبی‌پور تنها گویشوری بودند که در همه گفتگوها و مصاحبه‌ها شرکت داشتند و سوار بر سخن. در همه بخش‌های این پژوهش از توانش زبانی ایشان بهره‌بردم در گردآوری همه واژه‌نامه، همه مثل‌ها و زبانزدها، همه آداب و آیین، همه جمله‌ها و همه بازی‌ها و قصه‌ها و همه آنچه در این کتاب می‌بینید. افزون بر این و از خوش‌روزگاری من، ایشان در درگز

میزبان من نیز بودند میزبانی که آرزویم همواره دیدارشان است. شبان و روزان بسیاری با ایشان زندگی کردم و ایشان مادرانه مرا پذیرا بودند. از خداوند، از بن جان برای ایشان تندرستی می‌خواهم. و فریده حجبی‌پور را در همین جا به همه پژوهشگران مردم‌شناسی و زبان‌شناسی معرفی می‌کنم؛ منبعی مفید و کامل و خردمندی باتجربه و بامطالعه. شیرزنی خراسانی بانویی ایرانی. آری «زنانشان چنین‌اند ایرانیان».

در ادامه سپاسگزارم از دیگر گویشورانم: بانوی گرامی و فرهیخته **ملکه حجبی‌پور**، آموزگار بازنشسته، خردمند و مهربان، ایشان با خانواده خویش در این پژوهش‌یاور من بودند. خود به‌ویژه در بخش واژه‌نامه و زبانزد؛ دخترشان بانو **سیما قراگوزلو حصار** در بخش واژه‌نامه و به‌ویژه صرف فعل و پسرشان آقای **حسین قراگوزلو حصار** برای هماهنگی امور در درگزر. سپاسگزارم از آقای **حسین پاکزاد** در بخش زبانزد و قصه؛ آقای **غلامعلی پاکزاد** در بخش واژه‌نامه و زبانزد و قصه؛ بانو **زینب پاکزاد** در بخش زبانزد و قصه و آیین و غذاهای محلی؛ آقای **جان‌محمد ریحانی** و آقای **فرج‌الله اقبالی** و آقای **شکرعلی براتی** و آقای **براتعلی یگانه**، در بخش واژه‌نامه و زبانزد؛ در این بخش‌ها به‌ویژه سپاسگزارم از آقای **ریحانی** که توانش زبانی قوی و حضور ذهن بسیار خوبی دارند و با بردباری و اشتیاق پذیرای من در کتابخانه علامه شهرستانی شدند و زمان بسیاری را برای گردآوری گویش شهر خویش گذاشتند و نیز از آقای **اقبالی** که در باغ آباد خویش گویشوران را گرد هم می‌آوردند تا دسترسی راحت‌تر من به منابع زودتر فراهم آید. سپاسگزارم از آقای **احمد مرادی ثانی** در بخش واژه‌نامه به‌ویژه صرف فعل همسر ایشان بانو **سهیلا نامی**؛ بانو **توران خالقی** در بخش شعر و لالایی و زبانزد؛ بانو **ثریا توان** در بخش شعر و زبانزد؛ بانو **فرشته (فرزین) مددی** در بخش زبانزد و واژه‌نامه؛ بانو **آدینه حجبی‌پور** در بخش شعر و لالایی؛ آقای **هادی دولتی** در بخش بازی‌های محلی؛ آقای **سروش پورآزاد**، رئیس اداره تربیت بدنی شهرستان درگزر در بخش بازی‌های محلی؛ بانو **پری پورجباری** که خداوند عمری طولانی دهد ایشان را، تنها بافنده دست‌بافت‌های محلی، در بخش واژه‌های بافندگی و صنایع دستی؛ آقای **محمود براتی**، عکاس طبیعت در درگزر، در بخش اصطلاحات و ابزار کشاورزی و باغداری. سپاسگزارم از آقای **علی سیف‌الدین عکاس** این کتاب، همیشه تندخویی و دستور و خطاب مرا از سر مهر و با بردباری لبخند می‌زدند و پاسخشان جز چشم چیز دیگری نبود. سیف‌الدین عکاسی نامدار از درگزر است که تاکنون نمایشگاه‌هایی از آثار ایشان برپا شده است. همه عکس‌های این کتاب را آقای **سیف‌الدین** با سختگیری و به سفارش

نگارنده و دقت و وسواس کاری خود دست اول تهیه کرده‌اند. سپاسگزارم از بانو میترا نامی، طراح جلد و عکاس دوم برخی از عکس‌های این کتاب و نیز نگارگر بازی‌های محلی. طرح جلد و عکس‌ها به سفارش نگارنده و طرح بازی‌های محلی به سفارش مهندس شوکی فراهم شده است. سپاسگزارم از آقای محمد مددی مدیر محترم اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان درگز و همکاران ایشان؛ و از آقای کلیم‌الله توحیدی، پژوهشگر تاریخ کرمانج در خراسان. سپاسگزارم از بانو نازینه پرومیان برای هماهنگی‌ها در تهران که هیچ چیز یادشبان نمی‌رود و مسئولیت‌پذیرند. سپاسگزارم از همکار و دوست گرامی، آقای حمید حسینی که در برخی موارد با ایشان مشورت کرده و ایشان با خوشرویی و فروتنی پاسخگو بودند. برای حروفچینی این کتاب و نیز یاد گرفتن صفحه‌آرایی و انجام مراحل از آن سپاسگزارم از بانو فاطمه سید تقوی. و همانند همیشه سپاسگزارم از پدرم و از مادرم که نبودن مرا و سفرهای مرا برمی‌تابند و همواره با خرد و منطق یاریگر و تشویقگر من هستند و نیز دعا و آرزوی نیکشان برایم خوش‌اقبالی و آرامش می‌آورد و افزون بر آن پدرم خود آموزگاری‌اند اندر رویارویی با مردم و آداب گفتگو و نشست و برخاست با آنها و همواره از کودکی از ایشان فراگرفتم. سپاسگزارم از جناب محمدجواد مظفر مدیر انتشارات کویر و بانو نسرین قدرتی مدیر تولید انتشارات که پیش از هرکس متوجه دشواری کارهایی از این دست و رنجی که من برای این کار برده‌ام شدند و همین درکشان اسباب تلاش است. سپاسگزارم از عارف درویش که با سماجت تمام همواره جویای پژوهش‌های من است و هم این سماجت‌ها و پیگیری‌ها سبب شد ایشان نشر کویر را به من معرفی کنند. سپاسگزارم از بانو مرضیه حسینی که در همه مراحل این کار و زندگی‌ام با هم‌اندیشی و نیز سخنانشان نیروبخش و یاریگر من هستند. سپاسگزارم از مهندس حسن آفاجانی، تنها کسی که به دلسوزی و دقت و تعهد ایشان در نمونه‌خوانی دست‌نویس‌های درهم و ناخوانای خود اعتماد دارم و با آنکه حوزه پژوهشی ایشان متفاوت است اما همواره به سبب لطفشان در همه کارهای من باری از دوشم برمی‌دارند.

روشن است که هر کار نخستینی دشواری‌های بسیاری دارد و به دور از خطا نیست. بنابراین مرا با نقد و پیشنهاد خویش برای برطرف کردن ایرادهای احتمالی و نیز پرباری پژوهش‌های دیگر یاری کنید. افزون بر نگارش این کتاب، ویرایش فنی آن را نیز که برای من دشوارتر از نگارش آن بود خود انجام داده‌ام در روند کار دریافتن برای اطمینان از درستی کار و پیشگیری از هرگونه خطای فنی احتمالی و صرفه‌جویی در زمان، خود صفحه‌آرایی بیاموزم، چنین کردم و روزهای بی‌شماری را برای صفحه‌آرایی این کتاب و کتاب دیگرم، توصیف‌گویی گیلکی رودسر، سپری کردم که همزمان

با هم به چاپخانه رفتند. هرچند نگارش کتاب اخیر چهار سال پیش آغاز شد اما همه زمان من در دو سال گذشته برای کتاب در درگز گذاشته شد و نتوانستم از تجربه آن کار نخستین برای این کار دوم بهره برم. از این روی آرایش این دو کار رنج فراوانی داشت. اما امید دارم این تجربه در پژوهش‌های دیگرم به کار آید. نیز باید اشاره کنم در روند تدوین این دو کتاب از همان نقطه آغاز یعنی پژوهش میدانی تا رفتن به چاپخانه از هیچ یک از امکانات دولتی بهره‌ای نداشتم. همه تلاش خویش را کرده‌ام تا پژوهشی مستند و درخور خواننده انجام دهم. اگر خطایی دیدید بر من خرده بگیرید آموزگارم شوید و یاری رسانید تا در پژوهش‌های دیگر بهتر باشم. پیشنهاد خود را نیز برایم بفرستید. نشانی‌ام را می‌گذارم.

عفت امانی

تابستان ۱۳۹۴ خورشیدی - تهران

[ghazalehamani@gmail.com](mailto:ghazalehamani@gmail.com)

## آغاز سخن

کتابی که پیش رو دارید به راهنمایی و سفارش و پشتیبانی مالی و معنوی مهندس حیدر شوکتی فراهم آمده است. انسانی خردمند و فرهیخته و میهن پرست که همواره بخشی از زندگی و اندیشه اش گسترش فرهنگ و هنر ایرانی و پشتیبانی از آن است. مهندس حیدر شوکتی ریشه در خراسان بزرگ دارد. ایشان در سال ۱۳۲۸ در شهر درگز و در خانواده ای سرشناس و خوشنام و کشاورز و پرفرزند به دنیا آمدند. همه هفت فرزند این خانواده اکنون افرادی نیکنام اند و در رشته های پزشکی و مهندسی و آموزشی تحصیلات عالیه دارند و در حال انجام وظیفه. مهندس شوکتی خواهرزاده منصور سلیمان نژاد تبریزی (فرزند پاپا) است که ایشان نیز در گسترش و پیشرفت فرهنگ و آموزش و پرورش خراسان و درگز خدمات شایانی داشته اند و الگویی اثرگذار بر اندیشه های مهندس شوکتی بوده اند. مهندس شوکتی نیز تنها فرزند خود، عسل شوکتی را به گونه ای تربیت کرده است که از زادگاه پدری غافل نمی شود. بانو زهره کسرائی، همسر مهندس شوکتی نیز مشوق و همراه ایشان در همه امورند. مهندس شوکتی کودکی و نوجوانی یعنی دوران دبستان و دبیرستان را در درگز سپری کرد و پس از قبولی در رشته برق در دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک تهران)، به تهران آمد و همواره دانشجویی پرتلاش بود. اکنون که در تهران زندگی می کند و نیز در رفت و آمد به سرتاسر جهان و کسب تجربه کاری و دانش است هرگز چشمش بر ریشه و گهرشان بسته نشده و زرق و برق های مدرن غربی سیرایش نساخته. از این رو می بینم و می دانم که بخشی از اندیشه و سرمایه خود را در راه شناساندن فرهنگ و هنر کشورش و زادگاهش گذاشته و خدمتگزار زادگاهش است. از ساخت مؤسسه فرهنگی و هنری و آموزشی در خانه پدری و ساخت کتابخانه ای عمومی به نام علامه شهرستانی گرفته تا همراهی با آموزش و پرورش

شهرستان درگز و سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی و هنری شهر. افزون بر سفارش نگارش این کتاب کار ارزشمند دیگر ایشان که در دست انجام است، سرمایه‌گذاری و هم‌اندیشی برای به تصویر کشیدن طبیعت بی‌مانند درگز و چاپ کتاب عکسی با این مضمون است که عکاسی آن را علی سیف‌الدین سال‌هاست که در دست انجام دارد. در تکمیل همین تلاش‌ها و فرهنگ‌سازی، جای خالی واژه‌نامه‌ای و پژوهشی در فرهنگ و آداب و آیین و مثل‌های شهرشان را نیک دریافت و از این رو در اندیشه رفع این نقص برآمدند و برای این امر نگارنده را برگزید و همه اسباب این امر را نیز فراهم آورد. اعتبار ایشان در شهر درگز سبب می‌شد که همه جا با من از سر مهر همکاری شود و پیگیری ایشان سبب شد که این کار در عرض یک سال آماده چاپ شود. مهندس شوکی سختکوشی و پشت کارش را مرهون زندگی در طبیعت سخت درگز می‌داند. او دانشجویی پرتلاش بود و امروز نیز به سبب موفقیت‌های کاری و همراهی با انجمن‌ها و همایش‌های مهندسان برق در رشته برق نامدار است و افزون بر آن، کارآفرینی نمونه است و اشتغال‌زایی برای جوانان درگزی و تلاش‌های بی‌شمارش در شناساندن درگز و نیز شرکت در امور اجتماعی و فرهنگی و خیریه در درگز، او را از چهره‌های ماندگار درگز ساخته است. سفارش همیشگی ایشان به درگزی‌ها این است که از شهر خود غافل نشوند و بخشی از سرمایه و اندیشه خویش را صرف آبادی و خوش‌نامی آن سازند. مهندس شوکی با وسواس تمام خط به خط این کتاب را پیش از انتشار خوانده و همه آنچه را از چشم نگارنده افتاده بود ماهرانه دیده و یادآور شده است حتی سینی که شبن نوشته شده بود! با این همه مشغله، دقت ایشان گاه مرا شگفتزده می‌کند.

تلاش و اندیشه ایشان در شناساندن نام زادگاهشان ستودنی است و آرزو می‌کنم که ای کاش هر یک از شهرهای ایران یک مهندس حیدر شوکی داشت.

## جدول نشانه‌های همخوان‌ها

| نشانه<br>آوایی | توصیف آوایی                      | نویسه<br>فارسی | نمونه<br>گوشی | آوانویس، نمونه |
|----------------|----------------------------------|----------------|---------------|----------------|
| p              | انسدادی، دولبی، بی‌واک           | پ              | پلک           | kerpi          |
| b              | انسدادی، دولبی، باواک            | ب              | آبستن         | boqâz          |
| t              | انسدادی، دندانی، بی‌واک          | ت، ط           | تبر           | tabar          |
| d              | انسدادی، دندانی، باواک           | د              | دایی          | dâyi           |
| k              | انسدادی، نرم‌کامی، بی‌واک        | ک              | مارمولک       | kalpasə        |
| g              | انسدادی، نرم‌کامی، باواک         | گ              | گلدان         | gildân         |
| q              | انسدادی، ملازی، باواک            | ق، غ           | غریبال        | qarbâl         |
| '              | انسدادی، چاکنایی، بی‌واک         | همزه، ع        | عاشق          | 'âšiq          |
| ç              | انسدادی‌سایشی، لثوی‌کامی، بی‌واک | چ              | چرک           | čirk           |
| ĵ              | انسدادی‌سایشی، لثوی‌کامی، باواک  | ج              | جان           | ĵân            |
| f              | سایشی، لبی‌دندانی، بی‌واک        | ف              | استفراغ       | sarf           |
| v              | سایشی، لبی‌دندانی، باواک         | و              | نوه           | navarə         |
| s              | سایشی، لثوی، بی‌واک              | ث، س،<br>ص     | ساتور         | sâtər          |
| z              | سایشی، لثوی، باواک               | ذ، ز، ض،<br>ظ  | کشاورز        | zâre           |
| š              | سایشی، لثوی‌کامی، بی‌واک         | ش              | شفتالو        | šaftâlə        |
| ž              | سایشی، لثوی‌کامی، باواک          | ژ              | اژدها         | aždarhâ        |
| x              | سایشی، ملازی، بی‌واک             | خ              | سیخ           | se:x           |
| h              | سایشی، چاکنایی، بی‌واک           | ه، ح           | صبح           | sahar          |
| m              | غنه‌ای، دولبی، باواک             | م              | مسجد          | mačet          |
| n              | غنه‌ای، دندانی، باواک            | ن              | نبات          | nâvât          |
| l              | کناری، لثوی، باواک               | ل              | لیموشیرین     | limu           |
| r              | لرزشی، لثوی، باواک               | ر              | رگ            | ray            |
| y              | ناسوده (نیم‌واکه)، کامی، باواک   | ی              | یقه           | yaxe           |

## جدول نشانه‌های واکه‌ها

| نشانه<br>آوایی | توصیف آوایی                    | نویسه<br>فارسی | نمونه گویش   | آوانویس نمونه |
|----------------|--------------------------------|----------------|--------------|---------------|
| i              | بسته، پیشین، گسترده            | ای             | کمدیواری     | iškâf         |
| ĩ              | نیم‌بسته، پیشین، گسترده        | ای کشیده       | کوچک         | kĩči          |
| i:             | بسته، پیشین، گسترده، کشیده     | ای کشیده       | خودت         | özi:          |
| u              | بسته، پسین، گرد                | او             | چپ‌چشم       | luč           |
| ũ              | بسته، پیشین، گرد               | او کشیده       | لپ           | bũč           |
| e              | نیم‌بسته، پیشین، گسترده        | ِ              | تغار می      | majme         |
| ē              | بسته، پیشین، گسترده            | أ کشیده        | بیوس         | ēp            |
| e:             | نیم‌بسته، پیشین، گسترده، کشیده | ِ کشیده        | خودش         | öza:          |
| ə              | نیم‌باز، مرکزی، گسترده         | ا کوتاه        | ماه‌یچه      | mahičə        |
| a              | باز، پیشین، گسترده             | ا              | آرزو         | armân         |
| a:             | باز، پیشین، گسترده، کشیده      | ا کشیده        | وحشی         | va:ši         |
| â              | باز، پسین، گسترده              | آ              | بالش         | bâlənĵ        |
| o              | نیم‌بسته، پسین، گرد            | اُ             | حلق          | boqəz         |
| ö              | نیم‌بسته، پیشین، گرد           | أ کشیده        | بشقاب        | döre          |
| ey             | واکه مرکب                      | ای             | بیرون        | ešey          |
| ay             | واکه مرکب                      | آی             | آهک          | ahay          |
| ây             | واکه مرکب                      | آی             | کندن         | čây           |
| ov             | واکه مرکب                      | او             | گرفته بودی   | âlovdeli      |
| oy             | واکه مرکب                      | آی             | آن جا        | oyra          |
| uy             | واکه مرکب                      | اوی            | هم‌خو        | hamxuy        |
| ow             | واکه مرکب                      | او             | رخت‌خواب پیچ | čârčow        |

## دیگر نشانه‌ها

| نشانه آوایی | توصیف آوایی                                           |
|-------------|-------------------------------------------------------|
| :           | نشانه کشیدگی مصوت                                     |
| '           | نشانه تکیه<br>(باید پیش از هجاهای تکیه‌دار نهاده شود) |



## پیشگفتار

در این پژوهش واژه‌نامه‌ای از زبان ترکی رایج در درگز فراهم شده و در کنار آن مجموعه‌ای از مثل‌ها یا زبانزدها و قصه‌های محلی و آداب و آیین گویندگان این زبان. نمی‌گویم این شهر چراکه جزاز زبان ترکی، زبان کردی و در کنار هر دو زبان، زبان فارسی نیز که زبان مشترک و زبان اصلی همه اقوام این شهر است، در درگز رواج دارد. در همین آغاز سخن اجازه می‌خواهم یادآورم شوم که ترک‌های درگز که خراسانی‌اند و زبانشان دگرگون شده خود را درگزی می‌دانند و در سرتاسر گفتگو با ایشان هرجا به تمایزهای زبانی میان ترکی درگز و ترکی رایج در دیگر جای‌های ایران می‌رسیدم، گویشورانم می‌گفتند: اینها را ترک‌ها می‌گویند ما درگزی‌ها چنین می‌گوییم. اشاره به این باور مردمی را ضروری دانستم گرچه در بخش اقوام، ریشه‌های تاریخی و پیشینه این دگرگونی‌ها و مهاجرت‌ها را بررسی خواهم کرد.

براساس استقرا، اثرگذاری بسیاری از زبان فارسی بر زبان ترکی رایج در درگز دیده شد که پیکره و داده‌های زبانی گواه آن است (برای آگاهی بیشتر درباره همانندی‌های واژگان ترکی با دیگر گویش‌ها و فارسی بنگرید به فرهنگ *واژگان آذری* از فیروز منصوری)؛ از این رو و نیز به دلایلی که در بخش اقوام می‌آید زبان ترکی درگز را نه از دید رده‌بندی که از دید جغرافیایی و ایرانی‌تبار بودن گویندگانش از خانواده زبان‌های ایرانی دانسته و با همان رویکردی که گویش‌های ایرانی گردآوری و بررسی می‌شود به تدوین این کتاب پرداختم. اساس و روش و الگوی این واژه‌نامه، پیکره زبانی رایج در گروه زبان‌های و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با نام *راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی* است. اما از آنجا که دایره واژگانی با توجه به اقلیم و آداب هر منطقه متفاوت است، واژه‌های بسیار دیگری را نیز افزون بر واژه‌های موجود در پیکره فرهنگستان آورده‌ام.

پیشینه و پهنآوری سرزمین ایران و گوناگونی اقلیم آن و پراکندگی و چندگونگی تیره‌های ایرانی سبب پیدایی گویش‌ها و لهجه‌ها و زبان‌های بی‌شماری شده است. شمار دانندگان و سخنوران این گویش‌ها گاه چند تن و گاه بی‌شمار است و اسباب آن افزون‌بر ویژگی‌های زبانی، اموری چون مهاجرت، تنوع دینی و دیگر موارد پیش گفته است. این چندزبانی و چندگویشی ویژه ایران نیست؛ بلکه بیش‌تر کشورهای جهان بیش‌از یک زبان و گویش و لهجه دارند و جامعه‌ای یک‌زبانه به شمار نمی‌روند و این موضوع بستگی مستقیمی به اموری چون پیشینه یک کشور، پهنآوری، تاریخ و تمدن و فرهنگ آن در گستره زمان، تاخت و تازها و مهاجرت‌ها دارد. گویش‌های ایرانی تقریباً به طور جدی رو به فراموشی‌اند. اگرچه زنده نگه داشتن گویش‌ها ناممکن به نظر می‌رسد، اما ضرورت و فایده گردآوری و ثبت آن گریزناپذیر است. بهره‌های بسیاری در گردآوری گویش‌ها و توصیف آنها و تدوین واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های گویشی نهفته است. این گردآوری‌ها به دسته‌بندی و رده‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و شناخت روابط موجود میان آنها کمک بیش‌تری می‌کند و نیز سبب می‌شود که با آداب و رسوم، باورها و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گویشوران آن منطقه چه در زمان کنونی و چه در گذشته، آشنایی پیدا کنیم. همچنین سبب آسانی و سرعت تدوین اطلس زبان‌های ایرانی می‌شود. یا آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در گذر زمان در مناطق گوناگون. افزون‌بر همه اینها، تدوین فرهنگ‌های گویشی در فراهم آوردن مواد ضروری برای مطالعات تطبیقی تاریخی به‌ویژه در بازسازی صورت‌های کهن، شناخت مفهوم نام‌های خاص و تدوین فرهنگ اشتقاقی زبان فارسی یاری می‌رساند. و بالاتر از همه در فراهم آوردن مواد ایرانی‌تبار برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی در زبان فارسی و در نتیجه بی‌نیازی و فربهی مخزن زبان فارسی (برای آگاهی بیش‌تر درباره ثبت و ضبط گویش‌ها و فواید و اهداف آن نک: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی، ۱۳۹۰).

با «گویش‌شناسی»<sup>۱</sup> یعنی مطالعه نظام‌یافته زبان‌ها هم می‌توان پژوهش‌های ادبی و زبانی نوپدید انجام داد و هم می‌توان در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی با بررسی «جغرافیای گویشی»<sup>۲</sup>، «گویش منطقه‌ای»<sup>۳</sup>، «گویش روستایی»<sup>۴</sup>، «گویش شهری»<sup>۵</sup> و «گویش اجتماعی»<sup>۶</sup>، پیشینه تحصیل، شغل و دیگر مفاهیم فرهنگی و اجتماعی و آداب و رسوم و باورهای بومی و فرهنگ عامه و ناگفته‌ها را

1. dialectology  
3. regional dialect  
5. urban dialect

2. dialect geograph  
4. rural dialect  
6. social dialect

برداشت کرد و گسترش داد. این برداشت هم پژوهش‌های ادبی و زبانی را سبب می‌شود و هم دیگر پژوهش‌های گفته‌شده را.

گردآوری گویش‌ها، فراهم آوردن مواد خام و اولیه است برای انجام پژوهش‌های یادشده و همچون نردبامی است که بدون آن نمی‌توان به بام پژوهش‌های ایران‌شناسی رسید. صادق‌هدایت در فرهنگ عامیانه مردم ایران می‌گوید «ترانه‌های عامیانه و آوازا و افسانه‌ها، نماینده روح هنری ملت هستند و فقط از مردمان گمنام و بی‌سواد به دست می‌آید. اینها صدای درونی هر ملتی است و درضمن سرچشمه الهامات بشر و مادر ادبیات و هنرهای زیبا به شمار می‌آید. به همین مناسبت امروزه در کشورهای متمدن اهمیت خاصی برای «فلکلر» قایل می‌شوند (۱۳۸۳، ۲۳۵). روشن است که مدخل و راه ورود به فلکلر و فرهنگ عامه اقوام و مناطق مختلف، شناخت گویش آنهاست. از نخستین باری که آمبرواز مورتن<sup>۱</sup> در سال ۱۸۸۵ میلادی آثار باستان و ادبیات توده را folk-lore نامید، یعنی دانش عوام و به موجب تعریف سینت‌یوز<sup>۲</sup> که فلکلر را مطالعه زندگی توده عوام در کشورهای متمدن دانست (هدایت، ۱۳۸۳: ۲۳۳) پژوهش‌های گویشی در این زمینه نیز اندک‌اندک آغاز شد. چراکه گویش‌ها پیوند خود را با گذشته بیشتر حفظ کرده‌اند و هنوز زنده‌اند، ازاین‌رو ضرورت و فایده گردآوری گویش‌ها بیش از پیش نمایان است و به همین روی است که در سال‌های گذشته پژوهش‌های گویش‌شناسی، افزایش چشم‌گیری یافته است.

### روش پژوهش

داده‌های این پژوهش عبارت است از واژه‌نامه‌ای دوسویه، صد جمله به ترکی درگز، مثل یا زبانزد، قصه‌های محلی، آداب و آیین و باورهای مردمی درگز که به روش میدانی گردآوری شده است. الگوی نخستین این پیکره زبانی همان گونه که پیشتر گفته شد، راهنمای گردآوری گویش‌های گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. اما به سبب گسترده و متفاوت بودن برخی حوزه‌ها در درگز مانند کشاورزی و یا آداب و آیین ویژه، درنتیجه گسترده‌تر بودن دایره واژگانی، خود واژه‌های بسیار دیگری را که در پژوهش میدانی و گفتگو با گویشوران به آن برخوردیم به این پیکره افزودیم. لالایی‌ها و شعرهای محلی مانند هرای، یاریار و یغه را در کتاب پیش رو نیاورده‌ام چراکه پژوهشی گسترده‌تر و دیگرگون می‌خواهد و در زمان این کار نمی‌گنجید. ازاین‌رو یا در چاپ دوم با ویرایش جدید عرضه می‌شود و یا در پژوهشی دیگر. در بخش تاریخ و

جغرافیا و اقوام و دیگر موارد به‌جز آنچه در بالا گفته شد، روش پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است. واژه‌نامه را برای دسترسی آسان‌تر و مفیدتر دوسویه الفبایی و تنظیم کرده‌ام. یکی براساس الگوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، موضوعی و به ترتیب الفبای فارسی به گویش و دیگری به صورت واژه‌نامه‌ای عمومی و به ترتیب الفبای گویش به فارسی. در الفبایی واژه‌نامه، برنامه خودکار رایانه رعایت شده است با این توضیح که واکه «آ» [a] را از واکه «آ» [ā]، جدا کرده و ابتدا «آ» و سپس «آ» را آورده و نیز «آ خفیفه» [ə] را در انتهای هر واکه تنظیم کرده‌ام تا در کنار دیگر واکه‌ها باشد اما برابر با تنظیم رایانه‌ای «آ خفیفه» آخرین حرف در الفبایی قرار می‌گیرد. نشانه تیره در واژه‌نامه به این معناست که آن واژه برابری در این زبان ندارد و صورت فارسی آن به کار می‌رود. به پیروی از روش فرهنگستان زبان و ادب فارسی از روش علمی آوانگاری این آکادمی استفاده کرده‌ام و جدول نشانه‌های آوانگار در بخش پیش آمده است.

## ۱. معرفی شهرستان درگز

### ۱-۱. جایگاه درگز

درگز نام کنونی و امروزی سرزمینی گسترده و کهن در شمال شرق خراسان است که بارها و بارها دستخوش ویرانی مهاجمان ترکمن و مغول و دسیسه‌های روس‌ها شده است و تیره‌های گوناگون آذری و کرد برای نگهداری از مرزها به درگز کوچانده شده‌اند. ازاین‌رو زبان مهاجمان و زبان مهاجران در درگز ماندگار شد و امروزه افزون بر زبان فارسی، در درگز زبان‌های کردی و آذری نیز رایج است. تفاوت تیره‌ها و مهاجران به درگز، تنها در زبان قومی و محلی آنهاست و اسباب اشتراک آنها افزون بر زبان فارسی، در تاریخ و جغرافیا، ریشه و باور و آیین و دینشان است. ازاین‌رو و با توجه به تغییر نام درگز و تغییر حدود و ثغور آن در تقسیمات کشوری، تعیین دقیق محدوده دیرین درگز و تطابق دقیق آن با درگز کنونی دشوار می‌نماید و نیز موضوع این سخن نیست اما تلاش کرده‌ام چکیده‌ای در این باره گرد آورم تا خواننده را اندکی با پیشینه درگز آشنایی افتد. برای دیدن نقشه شهرستان درگز کنونی بنگرید به فرتور<sup>۱</sup> شماره ۱ و برای دیدن جایگاه درگز در خراسان بنگرید به فرتور شماره ۲.

چکنگی می‌نویسد درباره شهرستان درگز با نام‌های زیر در متن‌ها سخن رفته است: دارا، داراگرد، درجز، دره‌جز، گز، و محمدآباد (۱۳۷۹: ۱۹۹). در فرهنگ جغرافیایی ایران نیز دره‌گز [darregaz] نام یکی از شهرستان‌های استان نهم گفته شده که نام قدیم آن معروف به محمدآباد است و تا سال ۱۳۲۸ از بخش‌های تابعه شهرستان قوچان بود (۱۳۲۹: ۱۶۶) که به سبب موقعیت،

---

<sup>۱</sup> به پیروی از کتاب لغت فرس، کهن‌ترین فرهنگ فارسی نگاشته در قرن پنجم اثر اسدی توسی، واژه فرتور به جای واژه عکس به کار می‌رود (۱۳۹۰: ۱۶۴).

اهمیت و شمار سکنه به شهرستانی مستقل تبدیل شد. در سال ۱۳۴۵ نیز بخشی از شهر کلات به سبب دشواری راه کلات به درگز، از درگز جدا شد و به مشهد پیوست (قاسمی، ۱۳۴۹، ۹۰). بنابراین با توجه به جدا شدن کلات از درگز، بررسی تاریخی درگز با نام کلات نیز انجام می‌شود. خادیمان نام درگز را برگرفته از «دارا» یا داریوش، بنیانگذار آن می‌داند و می‌گوید درگز زادگاه نادرشاه بزرگ است و خانه‌ای که نادر در آن تولد یافته هنوز در محمدآباد، مرکز این منطقه، پابرجاست (۱۳۸۰: ۴۳۵). معین نیز درگز را به شکل daragaz [= دره‌گز] ضبط کرده است (۱۳۷۹). ذیل درگز). افزون بر نام‌های بالاگفته از درگز با نام‌های دیگری نیز یاد شده است. در *جغرافیای اداری ایران باستان* در بخش منزلگاه‌های اشکانی ذیل آپانورکتیکا آمده: شاید «دارا» باشد که توسط شاهی پارتی، تیرداد، در حوالی ۲۳۰ پ.م به عنوان محل سکونت خود او بنا شد. در نزدیکی مشهد امروزی (۱۳۸۸: ۳۴۳). مردمان محلی نیز درگز را خواستگاه اشکانیان می‌دانند (پوراحمدیان، ۱۳۹۱). در جایی دیگر شهرستان‌های بجنورد و اسفراین و قوچان و شیروان و درگز و کلات، پارتیای اصلی دانسته شده است و درگز دربردارنده بخش بیشتر نسا باورد و خاوران (قاسمی، ۱۳۴۹: ۹۶).

قاسمی نام‌های دیرین و کنونی درگز را این گونه بیان می‌دارد: شهرستان درگز (داراگرد) که در پیش بدان نیاسایا، آباوارتاکن (باورد و نسا) یا ابیورد و نسا، درون و ابیورد و خاوران می‌گفتند، پیش‌تر یکی از شهرستان‌ها و مناطق مهم باستانی پارتیا و خراسان بوده است که برابر با قرارداد ننگین آخال در ۱۲۷۲ خورشیدی و ۱۸۸۲ میلادی، حاشیه آباد تاریخی آن از تجن تا نزدیکی عشق‌آباد از این شهرستان جدا و جزء ترکمنستان شوروی شده است (همان: ۹۰).

درگز پیش از این قرارداد از دید تقسیمات کشوری سه بخش بوده: یک: ابیورد و بخشی از اتک. شهر ابیورد مرکز و حکومت‌نشین ولایت بوده و مدت‌ها در مکاتبه‌ها و تاریخ این ولایت با نام ابیورد آمده و پس از ویرانی آن، مرکز حکومتی به چاپشلو سپس به دستگرد و نسا و سپس به محمدآباد، مرکز کنونی شهرستان انتقال یافت؛ دو: نسا و درون؛ سه: برون و کلات و بخشی از اتک (میرنیا، ۱۳۶۱: ۷).

نکته روشن‌بخش در بررسی نام درگز پژوهش لیسترنج است که در *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* می‌گوید: «ولایت مشهور نسا (بفتح یا کسر «ن») دره پهنآوری است که امروز «دره‌گز» خوانده می‌شود. ابن‌حوقل گوید نسا به اندازه سرخس است و آب آن از کوهستان مجاور می‌آید. مقدسی مسجد نیکو و بازار پررونق آن را ستوده گوید هر خانه‌ای هر چند محقر باشد باغ و آب روان دارد و در اطراف شهر دهکده‌هایی بزرگ پراکنده است، ولی یاقوت حموی [که گویی از مناطق خشک درگز دیدن کرده] از آب و هوای بد آن سخن رانده گوید کرم پیوک در

آنجا فراوان است و در فصل تابستان کمتر کسی از آن بلا در امان ماند. قزوینی گوید نسا را «شهر فیروز» نامند به مناسبت اینکه گویند فیروز پادشاه قدیم ایران آن را ساخته است و نیز می‌گوید دور نیست شهر نسا با محمدآباد امروز که بزرگ‌ترین آبادی دره‌گز است یکی باشد (۱۳۹۰: ۴۲۰).

بارتولد نیز می‌گوید از جمله بلاد سرزمین خراسان نسا و ابیورد است که در قرون وسطی بیش از دیگر بلاد از آن نام می‌برند و شهر نسا در نزدیکی عشق‌آباد کنونی بود و ابیورد هم در نزدیکی عشق‌آباد پابرجاست (۱۳۸۶: ۱۱۹). نسا را نوح‌بن منصور سامانی به مأمون حکمران بخش شمالی خوارزم داد و ابیورد را به عبدالله خوارزم‌شاه فرمانروای خوارزم جنوبی. زمانی که سلسله جدید خوارزمشاهیان صورت گرفت شهر نسا پیش از دیگر شهرهای خراسان جزو قلمرو آنها قرار گرفت (همان: ۱۲۰).

درباره بنای شهر محمدآباد و درگز کنونی آمده است: بیگلرخان حکمران وقت درگز در دوران محمدشاه قاجار تصمیم می‌گیرد که جنگل و نیستانی را که در روستایی به نام چغندر وارتیان بود و مخفیگاه ترکمن در هجوم‌های همیشگی به درگز، بسوزاند و به جای آن شهری با نقشه مدرن بنا کند تا برای مرکزیت و حکومت‌نشینی نیز مناسب باشد، از این‌رو از محمدشاه قاجار پول و نیروی انسانی درخواست می‌کند. محمدشاه دستور می‌دهد حکمران بجنورد و قوچان و کلات به درگز رفته و یاریگر بنای درگز شوند در نتیجه با همکاری آنها و یاری اهالی درگز، شهر محمدآباد به سبک و سیاق نقشه عشق‌آباد پی‌ریزی می‌شود و به نام محمدشاه قاجار، محمدآباد نام می‌گیرد و پس از بنای کامل شهر از ساکنین دستگرد نیز به شهر جدید منتقل می‌شوند (تکلیفی چاپشلو، ۱۳۷۹: ۲۷ و ۲۸). فرهنگ جغرافیایی ایران نیز بنای کنونی شهر درگز را پس از ویرانی‌های پیاپی در حدود ۱۷۰ سال پیش با اسلوب جدید دانسته است (۱۳۲۹: ۱۶۷).

قولی دیگر اسباب نامگذاری محمدآباد را، نام حکمران درگز و ابیورد آقامحمدخان چاپشلو می‌داند که دستور ساخت آن را داد (قاسمی، ۱۳۴۹: ۱۱۵).

نقطه مشترک در درگز دیرین با همه نام‌های بالاگفته و درگز کنونی، این است که شهری پهناور و آباد و پررونق در ایران، در خراسان بزرگ بوده است که بخشی از قلمرو اشکانیان بوده و وجود تپه‌های باستانی بی‌شمار در درگز آن را خاستگاه و سکونتگاه مهمی در ایران، از دوران پیش از تاریخ معرفی می‌کند.

## ۲. موقعیت جغرافیایی و طبیعی

شهرستان درگز با وسعتی حدود ۴۳۰۹ کیلومتر مربع در شمال شرق استان خراسان رضوی و بین ۵۹ درجه و ۶۰ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۲۶ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد و ارتفاع

آن از سطح دریا ۴۸۰ متر است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۲۴۴). این شهر در آخرین تقسیمات کشوری چهار بخش شد با نام‌های چاپشلو، نوخندان، لطف‌آباد و مرکزی به مرکزیت شهر درگز. درگز به طور کلی ۱۰ دهستان و ۱۵۸ آبادی باسکنه و ۶۰ آبادی بی‌سکنه دارد (گاراژیان، ۱۳۷۷: ۱۷). اکنون شمار آبادی‌های خالی از سکنه بیشتر از آخرین آماری است که در بالا داده شده است. روستاهای فصلی بسیاری در دشت درگز وجود دارد که سکونتگاه فصلی کوچ‌نشینانی است که بیشتر کرد هستند و معیشتشان از راه دامداری و گاه کشت دیم غلات است. بخش مرکزی به مرکزیت شهر درگز است که دهستانی به نام تکاب دارد و مرکز این دهستان روستای خاخیان است. بخش نوخندان به مرکزیت شهر نوخندان است که دو دهستان به نام‌های درونگر با مرکزیت روستای شیخها و دهستان شهرستانه با مرکزیت برج قلعه دارد. بخش لطف‌آباد به مرکزیت شهر لطف‌آباد است که دهستانی به نام دیباج به مرکزیت روستای شیلگان دارد. بخش چاپشلو به مرکزیت شهر چاپشلو است که دو دهستان به نام‌های قره‌باشلو به مرکزیت شهر چاپشلو و دهستان میانکوه به مرکزیت روستای کبکان دارد (طرح جامع حریم شهر درگز: ۲۹).

نوخندان در شمال غرب درگز، لطف‌آباد که شهری است مرزی در جنوب شرق درگز، چاپشلو که متسب به ایل چاپشلو دانسته شده و نیز جایگاه خاندان نادر و محل پرورش مردان نظامی و یاران نادر (قاسمی، ۱۳۴۹: ۱۰۸) و قره‌قویونلو در بخش اصلی درگز، گلخندان در جنوب شرق، و محمدتقی بیگ در شمال غرب درگز بخش‌های مهم درگزاند (گاراژیان، ۱۳۷۷: ۱۷).

## ۱-۲. همسایه‌های درگز

به نقل از نشریه آمار خراسان، درگز در ۱۳۰ کیلومتری شمال شهر مشهد قرار دارد و محدود است از شمال به جمهوری ترکمنستان، از شرق به کلات و مشهد، از جنوب به قوچان و چناران و از غرب به قوچان. ۱۵۰ کیلومتر از مرز مشترک ایران و ترکمنستان در درگز است.

## ۲-۲. کوه‌ها

درگز شهری است که پیرامون آن کوه‌های بسیار تنیده شده و همین اسباب خوش‌آب‌وهوایی و حاصلخیزی درگز و رونق دامداری است. بخش بیشتر درگز محصور در رشته کوه‌های شمالی خراسان است. این رشته کوه‌ها عبارت‌اند از: زرین‌کوه یا غزل‌داغ با ارتفاعی حدود ۱۸۳۰ متر در شمال شرق درگز؛ کوه قوچان با ارتفاعی حدود ۱۲۲۰ متر در منتهی‌الیه غرب درگز؛ رشته کوه‌های بلند و برف‌گیر هزارمسجد در جنوب و جنوب غرب درگز که مهم‌ترین قله آن ۲۱۶۲ متر ارتفاع دارد؛ کوه الله‌اکبر با ارتفاعی حدود ۲۵۷۹ متر که از شعبه‌های هزار مسجد است و جاده قوچان درگز

را با چندین گردنه خطرناک در بر می گیرد؛ آلاداغ در غرب، کوه دوز یا نمک در جنوب غرب و آسلمه در غرب که ارتفاع این سه رشته کمتر از ۲۴۴۰ متر نیست؛ کبیت داغ و قره داغ در غرب و کوران داغ در شمال درگز؛ و غریز یا چهل دختر در وسط دشت درگز که کوهی کم ارتفاع است. تپه ماهورهای شمال و شرق درگز نیز در غرب اورلیک دره که دره ای است کم عرض واقع شده اند که زرین کوه در شرق آن قرار دارد (برای اطلاع بیشتر نک: خادمیان، ۱۳۸۰: ۴۳۸ و تکلیفی چاپشلو، ۱۳۷۹: ۲۰)

### ۲-۳. رودخانه ها

سه رودخانه مهم و رودخانه های فصلی بسیاری درگز را سیراب می کنند. رودخانه های مهم و بزرگ درگز عبارت اند از: رودخانه ذرونگر یا رودخانه دره گز، رودخانه زنگانلو یا شمس خان و رودخانه دربندی علیا.

رودخانه ذرونگر یا رودخانه دره گز با آب شیرین و دائمی، بزرگترین رودخانه ای است که از ارتفاعات اتک به سوی شمال ایران جریان دارد و شاخه های فصلی و دائمی آن همه دشت درگز را آبیاری می کند مازاد آن، اگر باشد در شرق ایران وارد خاک ترکمنستان می شود و شاخه های فصلی و دائمی آن همه دشت درگز را آبیاری می کند.

رودخانه زنگانلو یا شمس خان با آب شیرین و دائمی که سرچشمه آن کوه های هزارمسجد است و برابر با قرارداد میان ایران و شوروی پیشین، روستاهای مرزی ترکمنستان را سیراب می کند و سپس دوباره وارد خاک ایران می شود.

رودهای کوچک دیگری نیز در برخی نقاط درگز مانند چهل میر و جشن آباد روان اند (برای اطلاع بیشتر نک: سازمان جغرافیایی کشور، ۱۳۲۹: ۱۶۷؛ خادمیان، ۱۳۸۰: ۴۳۸؛ تکلیفی چاپشلو، ۱۳۷۹: ۲۱).

### ۲-۴. جلگه ها

جلگه های درگز عبارت اند از:

۱. جلگه درگز که در شمال کوه های هزارمسجد و خمیدگی رشته زرین کوه از سه سو محصور است و شیب آن به سوی لطف آباد و مرز ترکمنستان است؛
۲. جلگه های نوخندان، ذرونگر و تکاب که رودخانه ذرونگر آن را آبیاری می کند؛
۳. جلگه قره باشلو که چشمه ها و قنات ها آبیاری اش می کنند؛

۴. جلگه میان کوه و لطف‌آباد که رودخانه زنگانلو آبیاری‌اش می‌کند (تکلیفی چاپشلو، ۱۳۷۹: ۲۰)؛
۵. جلگه دستگرد در جنوب شهر درگز با خاکی بسیار حاصلخیز که خرابه‌های قلعه مستحکم آن امروزه کهنه‌قلعه نام دارد (قاسمی، ۱۳۴۹: ۱۱۰) گویا نادرشاه در قریه‌ای در دستگرد زاده شده است (میرنیا، ۱۳۶۱: ۱۹).

#### ۵-۲. آب و هوا

در درگز دو گونه آب و هوای متفاوت در جریان است در بخش شمالی متأثر از هوای گرم و خشک کویر قره‌قوم و در بخش جنوبی هوایی ملایم و مرطوب و مدیترانه‌ای. با وجود واقع شدن دشت درگز در فاصله حدود پنجاه کیلومتری حاشیه غربی کویر قره‌قوم، جهت ارتفاعات سبب می‌شود که به طور مستقیم متأثر از آب و هوای کویر نباشد. خاک حاصلخیز درگز به سبب وجود دره‌ها و جلگه‌ها و کوه‌های بسیار از سویی و همجواری با صحرای قراقوم از دیگر سو، استعداد پرورش همه گونه محصول از گرمسیری و سردسیری را دارد و نیز در همه فصل‌های سال مرتع‌ها و چراگاه‌های گسترده و انبوه برای چرای گوسفندان و قشلاق و ییلاق کوچ‌نشینان. به طور کلی سه نوع دسته‌بندی برای هوای درگز صورت گرفته است: ۱. استپی ۲. استپی خشک با پوشش گیاهی تنک ۳. استپی مرطوب با پوشش گیاهی متراکم (گاراژیان، ۱۳۷۷: ۳۲)

#### ۶-۲. پوشش گیاهی

پوشش گیاهی درگز بسته به میزان بارندگی در مناطق مختلف و نیز حاصلخیزی منطقه است. پوشش گیاهی انبوه، بیشتر در کوه‌پایه‌های غرب و شمال غرب دیده می‌شود اما به طور کلی گیاهانی مانند کاج، زرشک، انجیر، زالزالک وحشی، درخت زبان گنجشک، پید، توسکا، تمشک، افرا، پاکوتاه، شیرخشت، باریجه، آنغوزه، کندل، زیره سیاه، کتان وحشی، جاوشیر، کلپوره، آویشن، آنخ، سریش، گون، چوبک‌ها، ارمک، درمنه، سکاپا، کاروان‌کش، خارشتر، جارو، دم‌رویه، چمن، کما، بارهنگ، زبان‌درقفا و شیرین‌بیان در درگز فراوان است. بیشتر گیاهان دارویی در منطقه ییلاقی پارک ملی تندوره یا چهل‌میر دیده می‌شود. (برای اطلاعات بیشتر درباره پوشش گیاهان دارویی و نام علمی آنها نک: گاراژیان، ۱۳۷۷: ۳۱ و ۳۲).

#### ۷-۲. محصولات کشاورزی

گوناگونی و بسیاری محصولات کشاورزی در درگز در قیاس با مناطق همجوارش به‌ویژه فوجان چشمگیر است. محصولات کشاورزی عمده عبارت‌اند از انواع غلات آبی و دیمی، پنبه، در گذشته

تریاک، برنج، سیب زمینی، حبوبات، ذرت، کنجد، صیفی جات، طالبی، خربزه، هندوانه، انجیر، زرشک و انواع انگور. تاکستان‌های بزرگ درگز، از دیرباز سبب معروف بودن و صادر شدن کشمش درگز است. انبوه تاکستان‌ها بیشتر در نوخندان است. در شهرت برنج درگز حکایتی درباره نادر می‌گویند و آن اینکه شخصی درگزی اهل درونگر برای دادخواهی از ستم حاکم به اصفهان برای دیدن نادر می‌رود و یک من برنج درگزی پیشکش می‌برد. در اصفهان به نادر دسترسی نمی‌یابد، برنج را به آشپزخانه سپرده می‌رود. آشپز برنج را همان شب می‌پزد و نزد نادر می‌برد و بشقاب پلو را که نزد نادر می‌گذارد نادر می‌پرسد مگر کسی از درونگر این جا آمده زیرا این برنج درونگر است (میرنیا، ۱۳۶۱: ۶۱).

### ۸-۲. جغرافیای طبیعی و ریخت‌شناسی درگز

به طور کلی از نظر جغرافیای طبیعی و ریخت‌شناسی در درگز نمودهای زیر دیده می‌شود:

۱. کوه‌پایه‌ها با شیب ملایم که در جای‌های آبدار آن کشاورزی می‌شود.
۲. دره‌های رودخانه‌ای که طولانی‌ترین آن شاخه اصلی رودخانه درونگر است.
۳. سطح دشت، فاصله کناره‌های دره‌های رودخانه‌ای تا شیب کوهپایه‌ها که به سبب وجود چشمه‌ها استقرارهای احتمالاً کشاورز - دامدار از پیش از تاریخ تا زمان معاصر را سبب شده است (گاراژیان، ۱۳۷۷: ۲۳).

### ۳. جاذبه‌های طبیعی

جاذبه‌های طبیعی درگز بیشتر در بیلاقات است و در تابستان مردم درگز و یا شهرهای کناری شب‌ها آنجا چادر زده و اقامت می‌کنند. این جاذبه‌های یگانه با پوشش گیاهی و جانوری گوناگون و ویژه، خود اسبابی است برای پژوهش‌های گیاه‌شناسی و جانورشناسی و نیز آفرینش آثار هنری.

- باغ‌های گلریز و چتر واقع در شمال شهر درگز.

- پارک ملی حفاظت‌شده تندوره یا چهل‌میر در سی کیلومتری جنوب درگز با مساحتی حدود ۳۷۸۰۰ هکتار، با ۶۶ تیره گیاهی شامل ۳۰۱ جنس و ۴۷۵ گونه (گاراژیان، ۱۳۷۷: ۳۱) پوشش گیاهی انبوه و نادر با مصارف گیاهی و صنعتی و وجود گونه‌های جانوری نادر و ویژگی یگانه‌ای است که سبب است همواره پذیرای میهمانان و گردشگران باشد. به کوشش محیط زیست موزه‌ای از جانوران و حیوانات تاکسیدرمی شده در این پارک بنا شده است.

- کوه چهل دختر در کنار شهر دستجرد قدیم و شهر کهنه امروز. افسانه‌ای محلی درباره کوه

چهل دختر می‌گوید: چهل دختر جوان و زیبا بر لب چشمه بودند که مغولان حمله می‌کنند آنها به کوه پناه می‌برند و کوه باز می‌شود و آنها را پناه می‌دهد. آب‌هایی که از دل این کوه می‌چکد اشک‌های این دختران است. این کوه افزون بر تفرج‌گاه بودن به گونه‌ای زیارتگاه نیز هست.

- درهٔ سرسبز و حاصلخیز درونگر واقع در حاشیه و کنارهٔ رودخانهٔ درونگر.

- تفرجگاه امام قنبر در ۲۰ کیلومتری جنوب شهر درگز میان ارتفاعات الله‌اکبر در نزدیکی روستای داغدار با پوشش گیاهی انبوه و نهرها و رودخانه‌های گوناگون و چشمه‌های معدنی با آب گرم که خاصیت درمانی دارد.

- آبشار گرنی با ارتفاع ۲۰ متر در ۳ کیلومتری روستای دربندی علیا در بخش چاپشلو، دهستان میانکوه. این آبشار سرچشمه رودخانهٔ گرنی یا بارسو است. استخرهای پرورش ماهی قزل‌آلا ویزگی این منطقه است. (برای اطلاع بیشتر نک تکلیفی چاپشلو، ۱۳۷۹: ۲۳ و نقشهٔ راهنمای شهر درگز).

#### ۴. جاذبه‌های تاریخی

افزون بر تپه‌های باستانی و محوطه‌های پیش از تاریخی در درگز که در بخش بعد گفته می‌شود بناهای تاریخی یگانه‌ای در درگز وجود دارد که جذب‌کنندهٔ گردشگران و باستان‌شناسان است. این بناها عبارت‌اند از:

##### ۴-۱. بندیان

اثری ساسانی در ۲ کیلومتری شمال شهر درگز در کنار تپه‌ای باستانی به نام «یاریم تپه». کاوش‌های باستان‌شناسی از وجود بنایی مهم در این منطقه خبر می‌دهد. ویزگی یگانه و مهم این بنا که محوطه‌ای با تالارهایی به طول ۱۰/۲۵ و عرض ۸/۶۰ متر و فضاها و وابسته به آن مانند آتشگاه است، نمای دیوارهای بنا است با ارتفاعی حدود یک متر که نقش‌هایی نفیس با گچ‌بری‌هایی زیبا و سالم‌مانده از دوران ساسانی دارد با مضمون‌هایی چون آیین دینی، بزم و شکار و جنگ و پیروزی بر دشمن و معرفی اشخاص. از دیگر بناهای یافت‌شده در این محوطه، آتشدان، محراب، اتاق ویزهٔ نامه‌ها و مرسوله‌ها و برج خاموشی است. برج خاموشی در کنار تالار با اندکی فاصله قرار گرفته که بنابر پژوهش‌ها نشان‌دهندهٔ آداب و آیین تدفین زرتشتیان است. کشف این برج پژوهش‌های غریبان دربارهٔ شیوهٔ تدفین در دین زردشتی را تغییر داد. این محوطه تاریخی به دست میراث فرهنگی و به صورت نخستین محوطه‌موزه (سایت‌موزه) ایران درآمده است. در بازدید چندباره از بندیان دیدم که داخل بندیان که آن را با هزینه‌ای بسیار مسقف کرده‌اند آب در جای‌های گوناگونش از سقف بنا